

۲۸ دسامبر ۲۰۰۹



توده «سازنده»!

من در میان توده سازنده‌ای قدم به عرصه هستی نهاده‌ام
که گر چه نان ندارد اما بجای آن
میدان دید باز و وسیعی دارد
و افتخار اینرا دارد
که می‌تواند
[...]

بله، می‌بینیم که پرسوناژهای مقدس «عاشورا» یکی پس از دیگری خلق می‌شوند. ابتدا از میرحسین جلاد یک «حسین» ساختند، و روز گذشته یک «ابولفضل العباس» بر این کاروان استعماری افزوده شد. همچنانکه در وبلاگ‌های اخیر گفتیم روند مقدس تبدیل میرحسین به «تابو» می‌باید بر بی‌بی‌گوزک‌های کربلا منطبق باشد. در این راستا با قتل فرضی یا واقعی خواهرزاده میرحسین موسوی که ۳۵ سال داشت، پرسوناژ «ابولفضل» نیز به کاروان مقدس میرحسین پیوست. چرا که بر اساس روایات و قصص آخوندهای شیعه، حضرت ابولفضل العباس نیز هنگام «شهادت» ۳۵ بهار را پشت سر گذارده بودند. در تکمیل این روند گوساله فریب، اربابان حکومت اسلامی در لندن و واشنگتن یک اصل اساسی را فراموش کرده‌اند و آن اینکه ابوالفضل کربلای تهران، همچون میرحسین جلاد هیچ ارتباطی با دمکراسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر ندارد!

مردم،

گروه ساقط مردم
[...]

در زیر بار شوم جسدهاشان
از غربتی به غربت دیگر می‌رفتند

در تأیید وبلاگ «فهرست طلائی» تکرار می‌کنیم، آن‌ها که در خیابان‌های شهر به زد و خورد با نیروهای انتظامی مشغول‌اند، همچون رهبران طاعون‌سبزی، با مطالبات دمکراتیک ملت ایران بیگانه‌اند. و استعمار دیگر نمی‌تواند همچون روزهای طلائی سال ۱۳۵۷، با توسل به برنامه «شهیدسازی» و تحریک افکار عمومی چهره کریه فاشیسم را به زیور آزادی و استقلال بیاراید.

آن‌ها غریق وحشت خود بودند
و حس ترسناک گنهکاری
ارواح کور و کودن‌شان را
مفلوج کرده بود

ما هیچ دلیلی نمی‌بینیم برای ابراز مخالفت با یک حکومت سرکوبگر از یک گروه سرکوبگر دیگر حمایت کنیم. کسانیکه به بهانه مخالفت با خامنه‌ای و احمدی‌نژاد زیر علم آخوند منتظری سینه می‌زنند در سنگر فاشیسم نشسته‌اند، و ۴ کشور حاضر در نشست گوادالوپ، یعنی ایالات متحد، انگلستان، فرانسه و آلمان نیز در همین سنگر لنگر انداخته‌اند. به یاد داریم که در نخستین روزهای ژانویه ۱۹۷۹، سران ۴ کشور کذا با حمایت آشکار از «فاشیست - مسلمان‌ها» خواهان کناره‌گیری شاه ایران شدند. امروز هم‌اینان برای سازمان دادن به یک براندازی دیگر خیز برداشته و از سرکوب تظاهرکنندگان «انتقاد» به عمل می‌آورند.

گاهی جرقه‌ای، جرقه ناچیزی
این اجتماع ساکت بیجان را
یکباره از درون متلاشی می‌کرد
آن‌ها به هم هجوم می‌آوردند

البته به یاد داشته باشیم که حکومت اسلامی، همچون هر حکومت پوشالی و دست‌نشانده استعمار در هر حال «خودبرانداز» است. به محض اینکه منافع اربابان حکومت اقتضا کند، کشور ایران به صحنه آشوب تبدیل خواهد شد. و از آنجا که منافع کذا با انواع تشیع از علوی، صفوی، اموی و نبوی پیوند مستقیم دارد،

آشوب‌ها نیز باید با مراسم آئینی تشیع تقارن زمانی داشته باشد. سی سال پیش هم سه روز پس از خروج شاه، تظاهرات «مردمی» تاسوعا و عاشورا به جهانیان و به ویژه به ما ملت ثابت کرد که همه «مردم» اسلام را می‌خواهند و برای اسلام «انقلاب» هم کرده‌اند. حال آنکه در پس پرده تظاهرات کذا، ژنرال هوپزر و همراهان گرم «مذاکرات» با سران ارتش بودند تا ارتش نیز همچون آخوندجماعت «در کنار مردم» قرار گیرد. امروز هم تشکل‌های مزدور چپ‌نما از جمله «فدائیان خلق اکثریت» در همین راستا بیانیه صادر کرده، خواهان پیوستن نیروهای نظامی به «مردم» شده‌اند! باشد که از این مفر «فدائیان» بتوانند ۳۰ سال دیگر هم برای اربابان‌شان زمینه تاراج و تخریب در ایران فراهم آورند.

خورشید مرده بود، و فردا
در ذهن کودکان
مفهوم گنگ و گمشده‌ای داشت

روز گذشته، با تهاجم نیروهای ویژه نظامی به نیروهای انتظامی حکومت اسلامی، روند «خود براندازی» استعماری پای به مرحله نوینی گذارد. و البته این برنامه شناخته شده که مشابه آنرا در پائیز سال ۱۳۵۷ نیز شاهد بودیم در رادیو «همبونه‌های پر از چرک و کثافت و مرض» به عنوان «درگیری مردم» با نیروی انتظامی معرفی شده! ولی آن‌ها که به نیروهای انتظامی حمله می‌کنند، فقط لباس «مردم» عادی بر تن دارند! اینان همان چماقداران حکومت آینده‌اند و بیانیه‌های مزورانه چپ‌نمایان جیره خوار غرب در واقع حمایت از چماقداران «حکومت آینده» می‌باید تلقی شود. به همین دلیل است که همچون سال ۱۳۵۷،

هم‌سوئی داس‌الله، حزب‌الله و تفنگ‌فروش‌های غرب را شاهدیم.

من به آوار می‌اندیشم
و به تاراج وزش‌های سیاه

امروز طاعون سبز در داخل و پامنبری‌های‌اش در خارج مرزها، هم‌صدا با سران ۴ کشور حاضر در نشست گوادالوپ در حمایت از آشوب‌طلبان و قانون‌شکنان بیانیه صادر می‌کنند. چرا؟ چون منافع آشوب به بانک‌های غرب سرازیر می‌شود. و شاهدیم که دولت قدرقدرت جمکران نه تنها در برابر دخالت اربابان و حمایت‌شان از آشوب‌طلبان خفقان اختیار کرده که جهت گسترش دامنه آشوب رسماً به لشکرکشی خیابانی تداوم می‌بخشد. روز گذشته، اراذل طاعون سبز تظاهرات غیرقانونی به راه انداختند و یک «ابولفضل» شهید هم تولید کردند. فردا قرار است حامیان دولت تظاهرات کنند. مسلم است که در تظاهرات «قانونی» طرفداران دولت، اوپاش مخالف‌نما هم حضور خواهند یافت تا بازار زدوخورد و درگیری خیابانی کساد نشود، و احتمالاً چند شهید دیگر هم تولید کنند تا برسیم به عدد جادویی ۷۲ تن! و از این مراسم «مردم‌کشی»، به آن مراسم «مردم‌پرستی» برویم و همچنان دامنه مرگ و سوگواری را در کشور گسترش دهیم، چرا که در این مراسم روضه و زوزه اگر برای ما ملت جز خشونت و تخریب هیچ نیست برای دیگران «نفت» فراوان هست. این است دلیل شیفتگی غرب به طالبان، به ویژه طالبان خوب و «میانه‌رو»!

اشغالگران کشور افغانستان، و در رأس‌شان آنگلساکسون‌های دو سوی آتلانتیک هو و جنجال به راه انداخته‌اند که می‌باید با «طالبان خوب» و نازنازی که سلاح بر زمین می‌گذارند مذاکره کنیم! حال آنکه اگر آنگلساکسون‌ها تجهیز طالبان را متوقف کنند، همه طالبان از خوب و بد و متوسط خلع سلاح خواهند شد. این پروپاگاندا ابلهانه که در مصاحبه دیوید میلی‌بند هم مطرح شده بود، در راستای جنجال پیرامون خلع سلاح هسته‌ای آمریکا و اسرائیل قرار می‌گیرد.

در واقع ایالات متحد از تابستان سالجاری دیگر هیچ نیازی به سلاح هسته‌ای ندارد، چرا که به توپ‌های لیزری مسلح شده و می‌تواند اهداف ثابت و متحرک را از راه دور نابود کند. در نتیجه همه متحدان آمریکا در ناتو می‌توانند سلاح‌های هسته‌ای خود را نابود کرده، در تبلیغات رسانه‌ای، جامعه بشری را هم مدیون خود کنند. این مختصر را گفتیم تا بوق‌های آمریکا در جمکران از جمله پاسدار لاریجانی و منوچهر متکی و دیگران بیش از این ارباب‌شان را برای خلع سلاح هسته‌ای تحت فشار نگذارند! همین روزهاست که بشنویم، به دلیل پافشاری نوکران آمریکا در جهان اسلام، هم اسرائیل و هم ایالات متحد سلاح‌های هسته‌ای خود را نابود کرده‌اند و این عمل در رسانه‌های غرب «پیروزی بزرگ» اتحاد جماهیر نوکری بر آمریکا و اسرائیل خواهد بود. در نتیجه، حکومت جمکران هم‌صدا با مطرب‌های پنتاگون خواهد خواند: ما دیگه پیروز شدیم ...

و این «پیروزی بزرگ» در واقع ثابت می‌کند که آمریکا در برابر «قدرت» جهان اسلام سر تعظیم فرود آورده.

مسلماً برای بزرگداشت این پیروزی در کاخ سفید، مراسم برگزاری «نماز شکر» به امامت «مایک همر» برپا خواهد شد و خطبه‌های پیش از نماز را نیز یکی از کنیزهای مطبخی کاخ سفید ایراد می‌کند، تا همه بدانند و آگاه باشند که ایالات متحد از «حقوق برابر» زن و مرد، البته در چارچوب دین اسلام دفاع می‌کند. می‌دانیم که خاج‌پرست‌ها ادعا می‌کنند انسان، دینی و بومی است، در نتیجه دموکراسی غربی و مسیحی می‌شود! یا بهتر بگوئیم به ادعای اینان کشورهای مسلمان‌نشین نمی‌توانند از دموکراسی برخوردار باشند. اخیراً این اظهارات ابلهانه از زبان وزیر دفاع آلمان هم شنیده شد.

«کارل تئودور زو گوتنبرگ»، وزیر دفاع آنجلا مرکل که طی دو ماه کشتار غیرنظامیان افغان توسط ارتش آلمان را بیشرمانه «انکار» می‌کرد، خواهان حضور «طالبان میانه‌رو» در کابینه افغانستان شده! ایشان که از کاتولیک‌های مکتبی و متعهد دولت مرکل به شمار می‌روند در مصاحبه خود با رسانه «بیلد آم زونتاک» در جایگاه غیب‌گو نشسته و پیشگوئی کرده‌اند که به دلیل ویژگی‌های قومی در افغانستان، هرگز در این کشور دموکراسی محقق نخواهد شد!

بله این سخنان مضحک می‌باید از زبان کسی شنیده شود که ۶۰ سال پیش اکثریت قریب به اتفاق مردم‌اش با عربده «هایل هیتلر» همه غیرخودی‌ها، از جمله یهودیان را به اردوگاه فرستاده، و اگر چرخش اجباری سیاست انگلستان نبود، هنوز «آلمان نازی» پابرجا و استوار باقی مانده بود. هر چند که امروز نیز تهاجم به غیرخودی‌ها، از جمله آتش زدن مهاجران ترک تبار ثابت می‌کند، «ژرمن‌ها»

ویژگی‌های قومی‌شان را حفظ کرده و «فرهنگ‌شان» را از دست نداده‌اند.

باری، به گزارش سایت نووستی، مورخ هفتم دیماه ۱۳۸۸، کارل گوتنبرگ برای حل مسائل افغانستان پیشنهاد می‌کند «حقوق بشر نسبی» یا همان فاشیسم در این کشور به مورد اجرا گذاشته شود. نواده فرهنگت گوتنبرگ معروف می‌فرمایند، ابتدا باید ببینیم کدام گروه طالبان «خوب» و کدام گروه «بد» است! آنگاه با در نظر گرفتن «فرهنگ‌ها» و «سنن» افغانستان «حقوق بشر» را نیز مد نظر داشته باشیم. این سخنان بیش‌رمانه نوع «محترمانه» طرفداری از فاشیسم در افغانستان است:

«ما باید بپرسیم [...] کدام دسته از ستیزه‌جویان تهدیدی جدی علیه جامعه بین‌الملل به شمار می‌رود و کدام دسته بیشتر دغدغه مسائل داخلی خود [...] را دارد. بی‌آنکه فرهنگ‌ها و سنن افغانستان نادیده انگاشته شود، مسأله حقوق بشر را نیز باید مد نظر داشت.»

می‌دانیم که اگر طالبان خوب در افغانستان نباشند، بساط کشت خشک‌خاش و تولید مواد مخدر تعطیل می‌شود و گوتنبرگ و شرکاء در ناتو یکصد میلیارد دلار در سال ضرر می‌دهند. و در اینصورت وزیر دفاع آلمان بجای پوشیدن آن کت و شلوارهای ابریشمین و مکش مرگ‌ما باید، با در نظر گرفتن «فرهنگ‌ها» و «سنن» ژرمن‌ها، یا همچون «زیگفرد» اسطوره‌ای از پوست کفتار تن‌پوش برای خود تهیه کنند، یا اینکه ابتکار به خرج داده با در نظر گرفتن

همان آداب و رسوم «شکمی» ژرمن‌ها، لباسی از پوست سیب زمینی، برگ کلم و قوطی آبجو بر تن فرمایند.

به گزارش نووستی، حضرت کارل گوتنبرگ فقط پس از «بررسی دقیق تاریخ و ویژگی‌های قومیتی و سیاسی افغانستان» به این نتایج درخشان رسیده. نووستی می‌افزاید، وزیر دفاع آلمان هفته گذشته طی مصاحبه با رسانه «ولت آم زونتاک»، فرموده‌اند، شورشیانی که فرهنگ خود را با فرهنگ غرب متفاوت می‌بینند تهدید مستقیم علیه غرب نیستند و ما باید با آنان ارتباط برقرار کنیم. البته گوتنبرگ کاملاً حق دارد، این قماش شورشی همچون حکومت اسلامی، تهدیدی مستقیم بر علیه ملت خود به شمار می‌رود، در نتیجه منافع غرب را تأمین خواهد کرد.

شورشیانی که از طریق غرب مسلح می‌شوند، وظیفه دارند به ملت افغانستان یادآوری کنند که امنیت، رفاه، آموزش، بهداشت، آزادی‌های فردی و اجتماعی، و ... «غیراسلامی» و «غربی» است، ولی تجارت برده، قاچاق مواد مخدر و اسلحه، زورگوئی و رشوه‌خواری از جمله فعالیت‌های اسلامی و «شرقی» به شمار می‌رود. همچنانکه حکومت اسلامی جمکران سه دهه است همین کار را می‌کند، و می‌بینیم که مهم‌ترین شریک تجاری این حکومت همین دولت آلمان است:

«هرگز دموکراسی به معنای غربی کلمه در افغانستان محقق نخواهد شد [...] مایل‌ایم تا مجراهای ارتباطی خود با اقوام و اجتماعات میانه روی افغان را باز بگذاریم [...] هر فرد شورشی تهدید مستقیم علیه غرب به شمار نمی‌رود. [فرق است] میان گروه‌هایی که [...] به جنگ با فرهنگ ما برخاسته‌اند با افرادی که فرهنگ غرب را [...] متفاوت می‌بینند [...]»

بله لازم است شورشیان محترم همواره «فرهنگ غرب» را متفاوت ببینند تا از کمک‌های همه جانبه غرب برای سرکوب ملت‌های خود برخوردار شوند. اگر سخنان گهربار وزیر دفاع آلمان را به دقت بررسی کنیم خواهیم دید، کارل گوتنبرگ، «شورشی» را، یعنی کسی که قانون‌شکنی، خشونت و جنایت در نظرش «موجه» و «حق» است به هیچ عنوان یک پدیده منفی نمی‌انگارد. شورشی در افغانستان برای کارفرمایان تفنگ‌فروش گوتنبرگ موهبتی است الهی. به همین دلیل است که آدمخواران ناتو یکصدا به دفاع از آشوب‌طلبان در ایران برخاسته، زوزه دفاع از حقوق بشر سر داده‌اند! اگر شورشیان گروه موسوی یا بهتر بگوئیم اراذل و اوباش پیرو خط‌امام نتوانند در ایران کاری از پیش ببرند، نان کرکس‌ها در غرب حسابی آجر می‌شود.

از اینرو مایک همر، سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید که پیشتر نیز در سوگ آخوند منتظری بیانیه صادر کرده و هم‌صدا با کنیزهای مطبخی جمکران این شیخ کودتاچی و جنایتکار را مدافع حقوق بشر خوانده بود، باز هم برای دفاع از حقوق بشر پای به میدان گذاشته، یک بیانیه ابلهانه دیگر صدور داده. «مستر» همر بدون در نظر گرفتن تظاهرات غیرمجاز عمده اکره‌شان ادعا کرده‌اند «تظاهرکنندگان» فقط

خواهان احقاق حقوق جهانی خود هستند و ایالات متحد در کنار آنان است. البته در اینکه ایالات متحد در کنار طاعون سبز قرار دارد، حداقل ما هرگز تردید نداشته‌ایم، چرا که مطالبات این گروه در تضاد کامل با حقوق بشر قرار می‌گیرد و حاکمیت آمریکا نیز همواره در سنگر قانون‌شکنان و جنایت‌کاران مبارزه کرده.

من می‌توانم از فردا
[...]

با غرور [...] به دیوار مستراح‌های عمومی بنویسم
خط نوشتم که خر کند خنده

حال باید ببینیم تظاهرکنندگان چه می‌طلبیده‌اند که مطالبات‌شان اینچنین به مذاق کاخ سفید شیرین و گوارا آمده؟ اینان خواهان استقرار دموکراسی و دفاع از آزادی بیان بودند؟ به هیچ عنوان! تظاهرکنندگان با عریضه «مرگ» و «یا حسین» و مزخرفاتی از این قماش به خیابان آمده‌اند. حزب دمکرات هم فرصت را برای دفاع از طالبان «خوب» مناسب دیده بیانیه صادر می‌کند. «یا حسین» حقوق جهانی است؟ «مرگ بر خامنه‌ای» حقوق جهانی است، «الله‌اکبر» حقوق جهانی است؟ نه این مزخرفات گنگ و مبهم تأمین‌کننده حقوق جهانی حاکمیت ایالات متحد است، که همواره چهره پلید خود را در پس پرده شعار پوچ «آزادی» پنهان داشته. حقوق ملت ایران ارتباطی به الله و حسین ندارد و با مرگ خامنه‌ای هم تأمین نخواهد شد. حاکمیت آمریکا اگر خیلی به رعایت حقوق بشر در ایران علاقه دارد، می‌تواند بجای صدور بیانیه‌های مضحک،

تبلیغات خود را به نفع «فاشیست - مسلمان‌ها» چه در ایالات متحد و چه در کشورهای عضو ناتو متوقف کند.

در دیدگان آینه‌ها گوئی
حرکات و رنگ‌ها و تصاویر
وارونه منعکس می‌گشت
و برفراز سر دلچکان پست
و چهره وقیح فواحش
یک هاله مقدس نورانی
[...]

به گزارش صدای آمریکا، مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۰۹، مایک همر، سخنگوی شورای امنیت ملی ایالات متحد فرموده‌اند، تاریخ با کسانی است که «حقوق» خود را «به حق» و بدون توسل به خشونت می‌طلبند، و آمریکا نیز در کنار چنین حق‌جویانی ایستاده. ایشان همچنین گفته‌اند، فرمانروایی از طریق ارباب و خشونت هیچ خوب نیست و ... و اگر نظر ما را بخواهید، بهتر است نگاهی به مردم عراق، افغانستان، پاکستان و به ویژه ترکیه داشته باشیم که تحت نظارت ارتش جنایتکار ناتو جز خشونت و ارباب نمی‌بینند، و رسانه‌های غرب نیز در این مورد خفقان کامل اختیار کرده‌اند، هر چند اینان دفاع از حقوق بشر در ایران را وظیفه شرعی خود می‌دانند! البته همان حقوق بشری که آخوند منتظری از آن دفاع می‌کرد، یعنی دروغ، قانون‌شکنی و جنایت:

«[...] سرکوب ناعادلانه شهروندان ایرانی که تنها خواهان احقاق حقوق جهانی خود هستند از نظر ما قویاً محکوم است [...] امید و تاریخ با کسانی است که به حق و به طور مسالمت‌آمیز حقوق خود را می‌جویند، در این میان ایالات متحده آمریکا نیز دوشادوش آن‌ها قرار دارد. حکومت و فرمانروایی از طریق ارباب و خشونت با مردم، دادگرانه و عادلانه نیست[...]

حضور سخنگوی کاخ سفید عرض کنیم، ما برای تأمین حقوق انسانی خود هیچ نیازی به بیانیه‌های هیئت حاکمه ایالات متحد و شرکای جنایتکارش در اروپا نداریم. حاکمیت آمریکا در جایگاهی قرار ندارد که بتواند سخن از حقوق بشر و حقوق مسالمت‌آمیز به میان آورد. شرایط اسفبار ملت‌های عراق و افغانستان که به صورت «مسالمت‌آمیز» و برای احقاق حقوق حقه شرکت‌های نفتی آنگلو ساکسون‌ها اشغال شده‌اند، شاهدی است بر این مدعا. از نظر ما صدور این قماش بیانیه‌های بی‌سروته و متناقض که در «صدای آمریکا» منعکس می‌شود، بدون استثناء گسترش آشوب در ایران را مدنظر دارد.

و برفراز سر دلچکان پست
و چهره وقیح فواحش
[...]
(فروغ فرخزاد)